



طالبان، محمدرضا و میرحسینی، مهسا. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۳ (۷)، ۹-۳۵.

بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک

محمدرضا طالبان^۱، مهسا میرحسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان احساس عدالت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان یا نسل سوم انقلاب به انجام رسیده است. در این راستا، مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناسی مرتبط با عدالت سیاسی اجمالاً مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت عدالت سیاسی با توجه به نظریه برابری سیاسی کلمن تعریف و شاخص‌سازی گردید. سپس با الهام از مباحث روان‌شناسی- اجتماعی، احساس عدالت سیاسی جزئی از نگرش سیاسی فرد تلقی گردید و در ادامه، متغیرهای مستقل تحقیق با استناد به نظریات جامعه‌پذیری سیاسی استخراج و فرضیات تحقیق ارائه گردید. این پژوهش به روش پیمایش و با نمونه‌ای ۳۷۰ نفری از دانشجویان دانشگاه یزد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به انجام رسیده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ۹۳ درصد از پاسخگویان احساس عدالت سیاسی متوسط رو به پایین را تجربه می‌کنند. نوع دینداری فرد با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۴۷۶ بیشترین تأثیر را بر احساس عدالت سیاسی داشته است. همچنین تأثیر متغیر مستقل سوگیری ایدئولوژیک بر احساس عدالت سیاسی با ضریب ۰/۲۵ معنادار شناخته شد. در مجموع، متغیرهای مستقل تحقیق توانستند حدود ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی احساس عدالت سیاسی را تبیین کنند.

کلید واژه‌ها: عدالت سیاسی؛ احساس عدالت سیاسی؛ انواع دینداری؛ سوگیری ایدئولوژیک

^۱-استادیار گروه جامعه‌شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)
qtaleban@yahoo.com

^۲-کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

mahsa.mirhosseini@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های هر حکومتی تحقق عدالت است. این اصل بقدری دارای اهمیت است که حتی مستبدان و جائران عالم نیز با هزاران خدعه و نیرنگ وانمود می‌کنند که کارشان بر اساس اصل عدالت بوده است. عدالت سیاسی معطوف به عملکرد حکومت در چگونگی توزیع قدرت، پاداش‌ها، امتیازات و همه چیزهای مطلوبی است که در جوامع وجود دارند و انسان‌ها مایلند آن‌ها را به دست آورند. شیوه خاصی که به موجب آن این امتیازات، دارایی‌ها و مطلوبیت‌ها (ثروت، قدرت، منزلت و...) توزیع می‌شوند، بازتاب گسترده‌ای بر روی فرد و کلیت جامعه دارد. لذا جوامع مختلف قواعدی به وجود می‌آورند که شیوه توزیع قدرت، ثروت و پاداش‌های روانی براساس این قواعد تعیین شوند و اهمیت مسأله نیز دقیقاً در همین جا است، زیرا خاستگاه یکی از مسائل بنیادی جامعه‌شناختی یعنی تعارض یا سازگاری فرد با جمع است که از ابعاد مهم آن، آثار ساختارهای متفاوت توزیع منابع و پاداش‌ها بر درک افراد، زندگی و نحوه اداره جامعه می‌باشد. عدالت در حیات سیاسی-اجتماعی دو جلوه ویژه دارد: اجرای عدالت و احساس عدالت.

اجرای عدالت همان است که گاه عدالت در مرحله قانونگذاری، ترسیم ساختار و نظام اجرایی و قضایی، دادرسی و دادخواهی، و بطور کلی در در تعریف عدالت آورده می‌شود: «إعطاء كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» به هر کس اندازه حقش داده شود؛ این مرحله از تمامی شئون مملکت‌داری حضور روشنی دارد.

اما جلوه دیگر عدالت که شاید در اهمیت کمتر از جلوه پیشین نباشد، «احساس عدالت» است. یعنی بر فرض که عدالت در جامعه اجرا گردد، این مردم هستند که باید با چشم خود و درک و بینش خویش عدالت را ببینند. وضعیت مطلوب آن است که حتی محکوم‌علیه و مجرم نیز بپذیرد و قانع گردد ضوابط عدالت اجرا شده است. در موضوع احساس عدالت، تنها صحبت از وضع قانون و صدور حکم عادلانه، یا توزیع ثروت، قدرت و موقعیت‌ها به صورت منصفانه نیست، بلکه صحبت از آن است که تلقی عمومی و باور کلی آن باشد که دستگاه اجرایی و زمامداران و دادرسان در محاکم و داوران در داوری، کمال عدالت را رعایت نموده اند. از همین

روست که قوانین حاکم بر رفتار را باید دو بار بازبینی کرد: در یک مرحله عادلانه بودن ذات قاعده رفتاری و دگر بار نقش اجرای آن در باور عمومی که به «احساس عدالت» تعبیر می‌شود. منظور از احساس عدالت سیاسی آن است که در نگرش مردم، امور کشور به نحو شایسته و عادلانه اداره شود و تمایزات تنها براساس لیاقت و شایستگی افراد ادراک شود. عدالت سیاسی معطوف به چگونگی توزیع قدرت، پاداشها، امتیازات و همه چیزهای مطلوبی است که در جوامع وجود دارند و انسان‌ها مایلند آن‌ها را بدست آورند. شیوه خاصی که به موجب آن این امتیازات، دارایی‌ها و مطلوبیت‌ها (ثروت، قدرت، منزلت و...) توزیع می‌شوند، بازتاب گسترده‌ای بر روی فرد و کلیت جامعه دارد. لذا، جوامع مختلف قواعدی بوجود می‌آورند که شیوه توزیع قدرت، ثروت و پاداش‌های روانی براساس این قواعد تعیین شوند و اهمیت مسأله نیز دقیقاً در همین جا است، زیرا خاستگاه یکی از مسائل بنیادی جامعه‌شناختی یعنی تعارض یا سازگاری فرد با جمع است که از ابعاد مهم آن، آثار ساختارهای متفاوت توزیع منابع و پاداش‌ها بر درک افراد، زندگی و نحوه اداره جامعه می‌باشد. همچنین، مشروعیت خصیصه‌ای از نظام سیاسی است که به شکل خاصی با ارزیابی مردم از عملکرد ساختار حکومتی در ارتباط است. به عبارت دیگر، مشروعیت با پذیرش و تأیید مردم است، و این امر احتمالاً آنگاه تحقق می‌یابد که در نگرش مردم، زمامداران به اصول عدالت و انصاف احترام بگذارند. از این رو احساس عدالت سیاسی ربط وثیقی با مسأله مشروعیت نیز پیدا می‌کند.

این ادعا وجود دارد که هر اندازه جامعه‌ای منابع مادی و پاداش‌های معنوی را نابرابر توزیع کند، متناسب با این نابرابری ارزش‌های اساسی آن جامعه نیز توسط اعضایش کمتر پذیرفته شده و مورد احترام قرار می‌گیرد. در نتیجه، افراد در چنین شرایطی کمتر حاضر می‌شوند در راه آرمان‌های جامعه فداکاری کنند. طبیعی است مدیریت جامعه‌ای که اعضایش حاضر به فداکاری در راه دستیابی به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت آن نباشند و همچنین سازگاری کمتری با یکدیگر داشته باشند، چقدر دشوار و پرهزینه خواهد بود (یعقوبی ۱۳۸۸: ۱۵).

اما مسئله صرفاً نحوه توزیع منابع نیست، بلکه درک و احساس عدالت و وفاق نظر در مورد تعریف عدالت نیز، در شکاف مسئله عدالت اجتماعی - سیاسی خود را نشان می‌دهد. در واقع، زمانی که مردم درک نا عادلانه بودن از شرایط و توزیع منابع کمیاب در جامعه داشته باشند، بیش از هر زمان دیگری مستعد رفتارهای خشونت‌آمیز و مغایر با نظم عمومی می‌شوند. انقلاب تنها یکی از اشکال بروز این احساسات می‌باشد و شورش‌های خیابانی، طغیان‌های منطقه‌ای،

اعتصابات و سایر ناآرامی‌های اجتماعی می‌تواند اشکال دیگر اعتراضات مردمی باشد که بر نظم اجتماعی موجود اثر منفی دارد. این موضوع به جامعه خاصی مربوط نمی‌شود و اهمیت آن امروزه در تمامی جوامع آشکار است. در بین کشورهای توسعه‌یافته یا کمتر توسعه‌یافته، و دولتهای قدیم و جدید همواره ارزیابی‌ها درباره عدلانه و ناعادلانه بودن منشأ حمایت هم برای یک نظم اجتماعی و ثبات و هم سرچشمه تغییر و تعارض بوده است (میرسندسی ۱۳۷۵: ۱۷). همچنین، مشروعیت خصیصه‌ای از نظام سیاسی است، که به شکل خاصی با ارزیابی مردم از عملکرد ساختار حکومتی در ارتباط است. به عبارت دیگر، مشروعیت با پذیرش و تأیید مردم است و این امر احتمالاً آنگاه تحقق می‌یابد که درنگرش مردم، زمامداران به اصول عدالت و انصاف احترام بگذارند. از این رو، احساس عدالت سیاسی ربط وثیقی با مسأله مشروعیت نیز پیدا می‌کند.

برخی از صاحب‌نظران مسلمان شیعی معتقدند در اسلام عدالت سیاسی مقدم بر عدالت اقتصادی است و بر این باورند که اگر در جامعه حاکمان سیاسی به درستی انتخاب نشده باشند و به جای افراد صالح، عادل و مشروع، افرادی غیرصالح حکومت را در دست گیرند؛ این بدان معناست که عدالت سیاسی محقق نشده و وقتی عدالت سیاسی محقق نشود، عدالت اقتصادی نیز محقق نمی‌شود. آنان معتقدند ابتدا بایستی فرد صلاحیت‌دار در مسند حکومت سیاسی قرار گیرد تا با انتخاب زمامداران صالح، عدالت اقتصادی نیز در جامعه حکم‌فرما شود (جمال‌زاده ۱۳۸۷: ۱۳).

هدف مقاله حاضر که داده‌های آن برگرفته از یک تحقیق پیمایشی در میان دانشجویان است، این است که اولاً تصویری از نتایج سنجش احساس عدالت سیاسی را در میان دانشجویان ارائه دهد، در ثانی رابطه این متغیر را با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک دانشجویان مورد آزمون قرار دهد. یا به عبارت دقیق‌تر به دو سوال زیر پاسخ دهد:

- ۱ - میزان احساس عدالت سیاسی در میان نسل سوم انقلاب چقدر است؟
- ۲ - متغیرهای نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک تا چه حد احساس عدالت سیاسی را تبیین می‌کنند؟

۲ - پیشینه تحقیق

۲-۱ - پیشینه تئوریک

مفهوم عدالت در علوم اجتماعی و سیاسی فاقد یک تعریف قطعی و متفق‌علیه است. اصطلاح عدالت غالباً از سوی دانشمندان و محققان علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصاددانان بکار گرفته شده و می‌شود، بی آن که وحدتی در معنا و مفهوم آن مستفاد شود. شاید اساسی‌ترین علت آن سطح بالای انتزاع این مفهوم باشد. به دلیل گستردگی تطور معنا و مفهوم عدالت در اندیشه متفکران و رعایت اصل اختصار، اجمالاً به مرور برخی دیدگاه‌های اجتماعی و بالخصوص جامعه‌شناختی در باب این مفهوم اکتفا می‌کنیم.

شاید قدیمی‌ترین مباحث مربوط به عدالت را بتوان در آرای ارسطو در خصوص برابری و نابرابری‌های اجتماعی سراغ گرفت. البته روشن است که مفهوم برابری و نابرابری نزد ارسطو فقط به عامل اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه زمینه‌های دیگر از جمله، احترام و موقعیت را هم شامل می‌شود. از نظر ارسطو، علت انقلابات نه فقط نابرابری ثروت، بلکه نابرابری منزلت و موقعیت نیز هست (ارسطو ۱۳۷۱: ۷-۶۶). توکویل، به نقش و جایگاه عدالت در محدودسازی صاحبان قدرت توجه کرده و از این طریق به توضیح رابطه و نقش عدالت در استیفای حقوق شهروندی و توسعه دموکراتیک جوامع می‌پردازد. دورکیم، عدالت را عنصری اساسی در حفظ همبستگی جامعه مدرن می‌داند. جامعه‌شناسانی مانند آدامز، هومنز، بلا، و الستر نیز در نظریات مبادله و در سطح خرد، بطور گسترده به نحوه تعاملات یا رابطه بین افراد و تأثیراتشان در تکوین احساس عدالت یا بی‌عدالتی توجه کرده اند (هگوت و مارکوفسکی ۱۹۹۵: ۲۶۳ به نقل از میرسندهی ۱۳۹۰: ۵). لونتال در مدل «فضاوت عادلانه» بیان می‌کند افراد در پاسخ به این سوال که آیا پیامدهای دریافتی‌شان عادلانه می‌باشد یا نه، آن را با سه قاعده یا اصل می‌سنجند: اصل انصاف، اصل مساوات و اصل نیازها. بلا درباره نتایج مبادله و آثار عادلانه یا ناعادلانه بودن آن بحث می‌کند و به تأثیر درک عادلانه یا ناعادلانه بودن بر ساخت اجتماعی توجه دارد. وی معتقد است که احساس مشترک و همگانی رضایت فرودستان از اعمال قدرت فرادستان موجب مشروعیت قدرت می‌گردد (میرسندهی ۱۳۹۰: ۱۱۱). تئوری «ارزش منزلت» فرض می‌کند که برای قضاوت درباره عادلانه بودن درآمدها و پاداش‌ها یک ساختار مرجع بیرونی لازم است تا افراد بتوانند درباره پاداش‌های خودشان داوری کنند. ساختار مرجع، مفهوم مشترکی از

چگونگی ویژگی های اجتماعی دیگران تعمیم یافته در ارتباط با پاداش های اجتماعی شان است. نظریه عدالت توزیعی جیسو، برخلاف نظریه ارزش منزلتی ادعا می کند که درآمدها و پاداش های یک شغل خاص تا آنجایی که به میزان قابل توجهی از معیارهای برابرخواهی منحرف نشوند، مشروع خواهند بود. بنابراین جیسو نمی پذیرد که در یک مجموعه اجتماعی هر سطح از درآمدهای واقعی، درآمدهای مشروع باشند، بلکه ادعا می کند که درآمدهای خیلی بالا و خیلی پایین، به عنوان درآمدهای نامشروع درک میشوند؛ زیرا هنجارهای برابری و مساوات-طلبی نمی گذارند که هر سطح از درآمد، مشروع جلوه کند (Jasso ۱۹۸۰, ۱۹۹۸ به نقل از یعقوبی ۱۳۸۸: ۵۰-۴۹).

جیمز کلمن، نظریه برابری سیاسی خویش را با تأکید بر این معنا تعریف نموده که عنصر اصلی در عدالت سیاسی، برابری عناصر و لوازم توسعه سیاسی است که دارای سه مؤلفه اساسی «شهروندی ملی»، «نظم حقوقی کلیت گرا» و «هنجارهای موفقیت» است. در این نظریه مؤلفه شهروندی ملی، برابری اساسی در عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی است که در حقوق رسمی برابر برای تمامی شهروندان تجلی می یابد. بنابراین نه فقط یک بخش ممتاز جامعه چارچوب مرجع قرار می گیرد، بلکه شهروندان با کارویژه های درونداد (مشارکت) و برونداد (توزیع) حکومت ارتباط دارند. نظم حقوقی کلیت گرا، به معنای برتری هنجارهای کل گرا بر هنجارهای جزء گرا (خاص گرا) در حوزه روابط حکومت با شهروندان است که برای تحقق حقوق برابر شهروندی امری حائز اهمیت است. این حقوق، مساوات در برابر قانون (برابری حقوق یا امتیازات) را امری لازم می شمارد. این نکته نه تنها به مفهوم رویه رفتاری یکسان در مقام اجرای قانون و قضاوت بوده، بلکه بیانگر حق برابر دفاع و حمایت از تمامی دیگر حقوق-هاست. بر اساس نظم حقوقی کلیت گرا، افراد جامعه باید در حقوق و یا امتیازات اکتسابی برابر باشند. مؤلفه هنجار موفقیت به مفهوم ارجحیت هنجارهای اکتسابی بر هنجارهای انتسابی در اعطای نقش های سیاسی و دیوانی است. هنجارهای اکتسابی در کنار حق عمومی شهروندی در خصوص آموزش و پرورش، رعایت اصل برابری در فرصت اولیه را تضمین میکند (کلمن ۱۳۸۰: ۴-۱۲۳). کلمن معتقد است سه عنصر مذکور یعنی شهروندی عام، تفوق هنجارهای عام در روابط حکومت با شهروندان و برتری معیارهای اکتسابی در استخدام و اختصاص نقش های سیاسی و اداری، اجزای حرکت به سوی عدالت هستند. شهروندی عام دلالت

بر عدالت در مطالبات توزیعی و حقوق و تکالیف مشارکتی، عام‌گرایی در روابط حکومت با شهروندان دلالت بر عدالت در امتیازات و محرومیت‌های حقوقی و عنصر برتری معیارهای اکتسابی در تخصیص نقش‌ها بر عدالت روانی در برخورداری از فرصت‌ها دلالت دارد.

۲-۲- چارچوب نظری

احساس عدالت سیاسی به ارزیابی افراد از عادلانه/ ناعادلانه بودن سیاستها در حوزه مشارکت و قدرت سیاسی، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان برمی‌گردد. از آنجا که در علوم اجتماعی، مفهوم نگرش^۱ بعنوان ارزیابی‌های مثبت/ منفی درباره اشیا، اشخاص و وقایع تعریف شده است (رابینز ۱۳۷۶: ۲۸۰)؛ پس احساس عدالت سیاسی منطقاً جزئی از نگرش سیاسی محسوب می‌شود. مثلاً وقتی فردی می‌گوید: «فلان حکومت عادلانه عمل می‌کند» در واقع، نگرش خود را درباره حکومت اظهار داشته است. نگرش، احساس ویژه و ارزیابی‌کننده‌ای است که بر اساس عقاید و باورهای شخص صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقتی کسی نسبت به موضوعی، ارزیابی یا احساس خود را بیان می‌کند، در واقع، نگرش خود را نسبت به آن موضوع بروز داده است. لذا می‌توان گفت، احساس عدالت سیاسی عبارتست از نگرش فرد نسبت به عدالت در حوزه سیاسی. بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر احساس عدالت سیاسی بایستی به سراغ نظریه‌هایی رفت که عناصر مؤثر بر نگرش‌ها را تعیین می‌کنند.

در مقام بررسی عوامل مؤثر بر احساس عدالت سیاسی در ایران، و با توجه با صبغه دینی نظام سیاسی حاکم، منطقی است که در ابتدا از عامل دین آغاز کنیم. دین از جمله عناصری است که از ظرفیت بالایی در جامعه‌پذیری سیاسی ایرانیان برخوردار بوده است. در حقیقت، دین و باورهای دینی در این جامعه، یکی از عوامل مهم سازنده فرهنگ سیاسی به حساب می‌آید. باورها و ارزشهای دینی همانطور که در نوع نگرش انسان نسبت به مسائل سیاسی تأثیر دارند، در شیوه آشنایی با مسائل و ترسیم هنجارهای سیاسی نیز تأثیرات فراوان می‌گذارند.

دین در یک کلام یعنی راه و رسم زندگی و راهکارهای دست‌یابی به نیک‌بختی و کمال حقیقی یا هدف آفرینش انسان (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۶: ۱۷۹ - ۱۷۸). با توجه به این تعریف از دین، می‌توان گفت که نوع درک هر فرد از آموزه‌های دینی، بر نگرش وی تأثیر عمده‌ای می‌گذارد و مبتنی بر همین ظرفیت است که نظامهای سیاسی در تلاش‌اند که در راستای

¹ Attitude

فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری سیاسی از آن بهره بگیرند. دینداران اگرچه اصول دین را قبول دارند، اما در زمینه فروع دین و بالاخص، رابطه دین و دنیا و واکنش به مدرنیته و مظاهر آن (عقلانیت، علوم جدید، تکنولوژی و...) برداشت‌های متفاوتی دارند. نگرش دینداران مسلمان نسبت به ارزشهای دموکراتیک یکی از عوامل مهم همین برداشت متفاوت است که تحت عنوان «انواع دینداری» مطرح می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۸۸). در این نوشتار تلاش می‌شود تا رابطه میان انواع دینداری با احساس عدالت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. برای نوع‌شناسی دینداری، با مبانی و معیارهای مختلف، انواع متفاوتی توسط صاحب‌نظران مطرح شده است. این نوع‌شناسی‌ها تا حدود زیادی جنبه مثالی و ایده‌آلی نوع وبری داشته و شبیه ساختارهای تحلیلی هستند که ممکن است همیشه با واقعیات انطباق نداشته باشند، ولی می‌توانند قدرت مقایسه و تجزیه و تحلیل را فراهم آورند. در هر صورت از مجموع آنها برای این پژوهش، نوع شناسی ویلیام شپرد که بر اساس خصوصیات جوامع اسلامی طراحی شده است، مورد استفاده قرار گرفته است. وی یکی از مبانی انواع دینداری را دوری و نزدیکی دینداران مسلمان با ارزش‌های مدرن قرار داده است. به تعبیری دیگر طبقه بندی وی براساس چگونگی نگرش دینداران مسلمان به تجدد (مدرنیته) و ارزش‌های آن در بین مسلمانان است. وی انواع دینداری را به عنوان مقوله‌های کاملاً جدا از هم در نظر نمی‌گیرد، بلکه آنها را به عنوان نقطه‌هایی بر روی یک طیف دو بُعدی قرار می‌دهد که یک بُعد آن «تمامیت‌گرایی اسلامی» و بُعد دیگرش «تجدد» است. شپرد پنج نوع دینداری ۱- سکولار (رادیکال، معتدل)، ۲- تجددگرایی اسلامی ۳- رادیکالیسم اسلامی ۴- سنت‌گرایی جدید ۵- سنت‌گرایی طردگرا را بازشناسی نموده است. تقسیم بندی وی مبتنی بر طبقه بندی عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌ها به نفوذ غرب و راه حل‌هایی برای احیای اسلام در عصر حاضر می‌باشد. بر این اساس هرچه به یک طرف طیف نزدیک می‌شویم، یعنی دینداری سکولار، نقش دین در گرایش به ارزش‌های جامعه مدرن (غربی) بیشتر می‌شود و هرچه به آن طرف طیف دینداری سنتی (سنت‌گرایی طردگرا) نزدیک می‌شویم، طرد ارزش‌های غربی و میزان گرایش به آنها کمتر می‌شود (ذوالفقاری ۱۳۹۰: ۸۲).

نگرش به ارزش‌های دموکراتیک، منعکس‌کننده ترجیحات هنجاری افراد درمورد اقدامات و نتایج سیاسی است (روراشنایدر، ۲۰۰۶: ۱ به نقل از ذوالفقاری ۱۳۹۰: ۸۳). برابری انسان‌ها، که مستقیماً با مقوله عدالت در ارتباط است، از جمله مهمترین عناصر ارزش‌های دموکراتیک محسوب می‌شود، لذا نگرش فرد به ارزش‌های دموکراتیک، احساس او در خصوص عدالت

سیاسی را هم شکل می‌دهد. با توجه به مطالب فوق‌الذکر، از آنجا که طبق نظر شیپر، نوع دینداری افراد مبتنی بر نگرش آنان نسبت به ارزشهای دموکراتیک می‌باشد؛ پس می‌توان گفت نوع دینداری فرد بر احساس عدالت سیاسی وی تأثیر می‌گذارد. با توجه به این که گفتمان نظام سیاسی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در تقابل با گفتمان غربی می‌باشد، می‌توان این فرضیه را استنتاج نمود: به میزانی که فرد به سمت مدرنیته جهت‌گیری مثبت‌تری داشته باشد، از گفتمان سیاسی حاکم دورتر شده و احساس عدالت سیاسی کمتری می‌کند.

سوگیری ایدئولوژیک نیز یکی دیگر از عواملی است که بر نگرش و احساس عدالت سیاسی فرد تأثیرگذار است. به عبارت دیگر میزان گرایش افراد به ارزش های دموکراتیک - اقتدارگرایانه در نگرش مثبت یا منفی آنان نسبت به سطوح واقعیت سیاسی تأثیرگذار خواهد بود. افرادی که دارای گرایش دموکراتیک می‌باشند بر فردگرایی ارج نهاده و خواهان ایجاد جامعه‌ای بهتر از طریق تحولات اجتماعی هستند، نگرشی مشارکت‌جویانه‌تر، مبتنی بر گفتگو و پذیرش استدلال برتر و قوی‌تر را برای حل منازعات سیاسی دنبال می‌کنند و شرایط برابری و آزادی را برای بیان سیاسی خواهانند. همچنین بی‌تفاوتی آنها نسبت به قدرت، حاکمیت و آداب و رسوم، تمایل آنها را در زیر سوال بردن و نقد رهبران افزایش داده و اتخاذ سیاستهای تازه را خواستار می‌شوند. متقابلاً در نگرش اقتدارگرایانه، اصل بر به رسمیت‌شناختن کامل نظام سیاسی مستقر (مشروعیت کامل رژیم حاکم به هر دلیل و عنوان) و اقدام برای حفظ آن به هر طریق ممکن و از جمله کاربرد شیوه‌های امنیتی و نظامی برای ارباب و سرکوب مخالفان و منتقدان است. در این نگرش، آزادی‌های شهروندی محدود است، تشکیل احزاب سیاسی معمولاً ممنوع و احزاب موجود منحل و یا به حالت تعلیق در می‌آیند. در صفت‌بندی نیروهای سیاسی کشور- درست یا نادرست- معمولاً اقتدارگرایان به نوعی در قالب جناح محافظه‌کار سیاسی تعریف می‌شوند، چرا که به لحاظ فکری و سیاسی از یک آبشخور تغذیه می‌شوند. اقتدارگرایان و محافظه‌کاران همواره خود را حافظ سنت‌های جامعه اعم از دینی و عرفی می‌دانند و در برابر تحولات اساسی مقاومت می‌کنند. محافظه‌کاران و اقتدارگرایان برای نظم، قانون، آداب و رسوم و هنجارهای سنتی- مذهبی ارزش زیادی قائل هستند. از این رو، این احتمال را که اقتدارگرایان در صدد تأیید اقدامات اعتراض آمیز علیه حاکمان برآیند، از بین می‌برد. لذا می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که هرچه فرد به سمت گرایش اقتدارگرایانه جهت‌گیری داشته باشد از رویه-

های جاری حکومتی حمایت نموده و به عبارت دیگر قرابت ایدئولوژیک بیشتری با نظام سیاسی دارد و از آن رو احساس عدالت سیاسی بیشتری را تجربه می نماید.

۳- روش تحقیق

۳-۱- نوع پژوهش، واحد تحلیل و نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع تبیینی است که با روش پیمایشی با طرح تحقیق مقطعی انجام گرفته است. واحد تحلیل و واحد مشاهده در این پژوهش «فرد» است. جمعیت این تحقیق را دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یزد تشکیل می‌دهند و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام پذیرفت که در مرحله اول، دانشکده علوم انسانی از میان دانشکده‌های این دانشگاه انتخاب گردید. این دانشکده در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳، ۵۵۲۸ نفر دانشجوی داشته است. همچنین، دانشجویان مقطع دکتری به دلیل زمان کم حضور در دانشگاه و دشواری دسترسی به آنها از جمعیت کنار گذاشته شدند که تعداد جمعیت تحقیق در نهایت به ۵۴۰۴ نفر رسید و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه تعیین گردید که با در نظر گرفتن احتمال پرسش‌نامه‌های مفقوده و ناقص، ۳۷۰ پرسش‌نامه تهیه و به صورت تصادفی در میان دانشجویان توزیع گردید.

۳-۲- تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

۳-۲-۱- احساس عدالت

روان‌شناسان مطرح می‌کنند که احساس اصولاً به جنبه‌های عینی‌تر و مشخص‌تر پدیده‌ها تعلق می‌گیرد. بدین ترتیب، احساس عدالت را می‌توان به وضعیت‌های ملموس و عینی نسبت داد، وضعیت‌هایی که افراد بطور مرتب و پایدار با آن در ارتباط هستند، آن را می‌شناسند و با آن مأنوس هستند و بر اساس آن وضعیت‌ها به نوعی احساس کشیده می‌شوند که از احساس بی‌عدالتی شدید تا احساس عدالت کامل متغیر است (میرسندسی ۱۳۷۵: ۷۶).

۳-۲-۲- عدالت سیاسی

عدالت سیاسی به موضوع عدالت در حوزه سیاسی می‌پردازد که به حوزه مشارکت مردم و قدرت سیاسی، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان مربوط می‌شود. این که

حاکمان مشروعیت خود را چگونه بدست می آورند و آیا در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر می تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد، حکومت عادلانه است و در غیر این صورت اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد، آن حکومت ظالم است. در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محرومیت ها، امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را برحسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند (جمال زاده ۱۳۷۸: ۱۲).

با قبول این فرض که در تعریف مفهومی عدالت سیاسی، با اتفاق نظر کافی وجود ندارد و صرف نظر از مناقشات مفهومی مربوط، در مقاله حاضر «عدالت سیاسی» بر مبنای نظریه «برابری سیاسی» جیمز کلینتون تعریف گردیده است. وی برابری سیاسی را شامل چهار نوع برابری می داند: «برابری توزیعی، برابری قانونی، برابری فرصتی و برابری مشارکتی» (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۹۶). برابری توزیعی در این دیدگاه تأکیدی است بر حقوق شهروندی که از طریق حکومت برای هر یک از شهروندان تأمین می شود. این نوع برابری در واقع انعکاسی از انتظارات مردم نسبت به نظام سیاسی حاکم است. بر اساس برابری توزیعی، شهروندان خواهان آن هستند که از طرف حکومت به یک چشم نگریده شوند، براحتمی بتوانند از حکومت انتقاد کنند و واگذاری مسئولیتهای سیاسی بر اساس ضابطه باشد نه رابطه (یوسفی ۱۳۸۳).

برابری قانونی از نظر سیاسی، یکسان بودن هر یک از شهروندان را در برابر قانون شامل می شود. بر اساس این نوع برابری، شهروندان خواهان آن هستند که چنانچه از کسی حقی ضایع شود، بتواند از طریق قانون آن حق را پس بگیرد، حقوق قانونی افراد از پول و پارتی مستقل باشد و قانون در مورد همه بطور یکسان اجرا شود.

در برابری فرصتی، تفویض نقشهای اداری و سیاسی بر اساس شایستگی، لیاقت و توانمندی واقعی افراد مطرح است. در این نوع برابری، شهروندان خواهان آن هستند که مسئولیتها بر اساس شایستگی به افراد واگذار شود، هر کس تجربه و تخصص بیشتری دارد، شانس بیشتری نیز برای پیشرفت داشته باشد و هر یک از شهروندان برای تصمیم گیری درباره خود آزادی عمل داشته باشد.

برابری مشارکتی نیز بر اساس تأثیر رأی شهروندان واجد صلاحیت بر تصمیمات حکومت و اهمیت دادن به خواسته های شهروندان از طرف حکومت تعریف می شود. بر اساس این نوع برابری، مردم خواستار آن هستند که حکومت به رأی و نظر آنها احترام بگذارد، انگیزه لازم را

برای همکاری شهروندان با حکومت به وجود آورد و رأی آنها در تصمیمات حکومت واقعاً موثر باشد.

بدین ترتیب، احساس عدالت سیاسی ناظر به وضعیت‌هایی می‌باشد که به حوزه قدرت سیاسی و مشارکت مردم مربوط می‌شود و بر اساس شاخص‌های فوق‌الذکر سنجیده می‌گردد. برای عملیاتی کردن متغیر احساس عدالت سیاسی از مقیاس ۱۲ گویه‌ای یوسفی (۱۳۸۳) استفاده شده است.^۲ مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس معادل ۰/۷۵ بدست آمد که از پایایی قابل قبول آن حکایت می‌کند. برای سنجش اعتبار این مقیاس از آزمون تک‌بعدی بودن به شیوه «ضریب همبستگی گویه با مقیاس» استفاده گردید (رجوع کنید به دواس ۱۳۷۶: فصل پانزدهم). نتایج این آزمون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی هر یک از ۱۲ گویه با مقیاس بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۴ در نوسان بوده است که چون هیچ ضریبی کمتر از حدنصاب اعتبار (۰/۳۰) نبوده، می‌توان نتیجه گرفت که شواهد مزبور بر اعتبار این مقیاس دلالت داشته است.

۳-۲-۳- انواع دینداری

همان‌طور که گفته شد، نوع‌شناسی دینداری ویلیام شپرد مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- سکولار (رادیکال، معتدل)، ۲- تجددگرائی اسلامی، ۳- رادیکالیسم اسلامی، و ۴- سنت‌گرائی.

تقسیم بندی وی مبتنی بر طبقه‌بندی عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌ها به نفوذ غرب و راه‌حلی‌هایی برای احیای اسلام در عصر حاضر می‌باشد. بر این اساس، هرچه به طرف دینداری سکولار نزدیک می‌شویم، نقش دین در گرایش به ارزشهای جامعه مدرن (غربی) بیشتر می‌شود و هرچه به طرف دینداری سنتی نزدیک شویم، طرد ارزشهای غربی و میزان گرایش به آن‌ها کمتر می‌شود (ذولفقاری ۱۳۹۰: ۸۲).

برای عملیاتی کردن متغیر انواع دینداری دو راه متصور بود: اول، برای هر کدام از مفاهیم و مؤلفه‌های آن یک یا چند گویه در طیف پنج‌قسمتی لیکرت از بسیار موافق تا بسیار مخالف تدوین شود. اشکال این شیوه این بود که کار تفکیک دینداری را بسیار مشکل می‌کرد؛ به عنوان مثال چنانچه میانگین امتیازات انواع دینداری برای فرد شبیه و یا نزدیک به هم می‌شد، امکان تشخیص و قضاوت در مورد نوع دینداری او از میان انواع ۴ گونه بسیار دشوار می‌شد، لذا

^۲ مفاد گویه‌ها در جدول شماره یک منعکس شده است.

این روش انتخاب نشد. دوم، برای تک‌تک سوالات مربوط به مؤلفه‌های دینداری، ۴ گویه متفاوت برای ۴ نوع دینداری ذکر شود و از پاسخگویان خواسته شود که در هر مورد فقط یکی از گویه‌ها را انتخاب نمایند. مزیت این روش آن بود که تشخیص دینداری غالب در افراد وضوح بهتری می‌یافت و ابهامات شیوه اول در این روش منتفی می‌شد، لذا روش دوم انتخاب گردید. برای عملیاتی کردن مفهوم نوع دینداری برای هر کدام از مؤلفه‌ها (نگرش افراد نسبت به نقش دین در پیشرفت جامعه، توانایی دین برای اداره حکومت، مواجهه مسلمانان با تفکر مدرن و مدرنیته، مشکلات جهان اسلام، نحوه تلقی افراد از سنت‌های اسلامی، نقش عقل در اجتهاد، نحوه برخورد با مقولات فلسفه، هنر و زیبایی شناختی غرب، مقابله با بحران‌های اخلاقی، دینی و سیاسی در میان مسلمانان، دخالت دین در سیاست، ولایت فقیه و امر به معروف و نهی از منکر) پانزده سوال چهار گویه‌ای که هر گویه معرفت نوع خاصی از دینداری پنج گانه بود، طرح و به پاسخگویان ارائه و از آنها خواسته شد که در هر مورد فقط یکی از گویه‌ها را که با نظر آنها بیشتر تطبیق می‌کند، انتخاب نمایند. برای مثال، در برابر این سوال که «مشکلات جهان اسلام مربوط به کدامیک از موارد زیر است؟» هر یک از چهار گویه زیر مبین چهار نوع دینداری است که پاسخگو، ملزم به انتخاب یکی از آنهاست:

الف) مشکلات جهان اسلام ناشی از ایدئولوژی اسلام است و ربطی به دیگران ندارد.

ب) مشکلات جهان اسلام مربوط به مسلمانان است و نه غربی‌ها.

ج) تمام مشکلات جهان اسلام مربوط به استعمارگران غرب است.

د) مشکلات مسلمانان به خاطر نفوذ تفکر مادی و سکولاریستی غرب در جهان اسلام است.

در هر سوال برای گویه‌های سکولار (نمره یک)، تجددگرا (نمره دو)، اسلام‌گرایی رادیکال (نمره سه)، سنت‌گرایی (نمره چهار)، سنت‌گرایی طردگرا (نمره پنج) در نظر گرفته شد. لذا با جمع نمرات انتخابی از ۱۵ سوال، دامنه تغییرات متغیر نوع دینداری از حداقل ۱۵ تا حداکثر ۶۰ در نوسان خواهد بود که از حیث سطح سنجش می‌توان آن را در سطح فاصله‌ای محسوب نمود. همچنین، با مقوله‌بندی نمرات در ۴ طبقه (طبقه اول نمرات بین ۱۵ الی ۲۵، طبقه دوم ۲۶ الی ۳۶، طبقه سوم ۳۷ الی ۴۸، و طبقه چهارم ۴۹ الی ۶۰) چهار نوع دینداری قابل تشخیص گردید. شایان ذکر است که کلیه گویه‌های مربوط به سنجش انواع دینداری از پژوهش ذوالفقاری (۱۳۸۷) اخذ شده است. مقدار آلفای کرونباخ این سنجش معادل ۰/۸۷ بدست آمد که از پایایی بسیار خوب آن حکایت می‌کند.

۴-۲-۳- سوگیری ایدئولوژیک

در این تحقیق، سوگیری ایدئولوژیک با تأکید بر میزان گرایش فرد به ارزش‌های دموکراتیک و میزان نگرش اقتدارگرایانه مورد سنجش قرار گرفته است. از منظر سیاسی دو تیپ «شخصیت اقتدارگرا» و «شخصیت دموکراتیک» در مقابل هم قرار می‌گیرند. شخصیت اقتدارگرا شخصیتی است خاص که در برابر هر عمل یا سخن، ضابطه و منطق درستی یا نادرستی را بر مبنای روابط قدرت قرار می‌دهد. دیدگاه دو شخصیت اقتدارگرا و دموکراتیک درباره حکومت و مسائل مربوط به سیاست را می‌توان بشرح ذیل خلاصه نمود (اسمیت، ۱۳۸۸):

- ۱- شخصیت دموکراتیک اشاره به آن سخن از شخصیت یا نشانگان شخصیتی است که شخص را به طلب مشارکت در ساختار سیاسی دموکراتیک و فرآیندهای دموکراتیک در سیاست، محل کار، انجمن‌ها یا خانواده یا ایجاد این گونه ساختارها و فرآیندها سوق می‌دهد. در مقابل، شخصیت اقتدارگرا مشارکت عمومی در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی، آزادی اندیشه و بیان را بر نمی‌تابد.

- ۲- رهبری جامعه در نگاه شخصیت اقتدارگرا همواره دارای جایگاه غیرقابل انتقادی است. این درحالی است که برای شخصیت دموکراتیک، گروه بیشتر از رهبر از اهمیت برخوردار است.

- ۳- شخصیت اقتدارگرا همواره به دنبال یک رئیس و تبعیت از یک شخص است، درحالی‌که برای شخصیت دموکراتیک نهادها و نه افراد حائز اهمیت هستند. درواقع در شخصیت اقتدارگرا، شخصیت‌گرایی و شخصیت‌پرستی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، درحالی‌که اصل بنیادی برای شخصیت دموکراتیک نفی هرگونه شخصیت‌پرستی است.

برای عملیاتی‌سازی و سنجش میزان اقتدارگرایی پاسخگویان از یک مقیاس ده گویه‌ای استفاده گردید که ۶ گویه‌اش برگرفته از پژوهش پورافکاری و دیگران (۱۳۹۱) بود که آنها نیز تصریح نموده‌اند که این ۶ گویه را با توجه به فضای فرهنگی جامعه ایران از مقیاس F آدرنو (۱۹۵۰) و مقیاس اقتدارگرایی آلتیمیر (۱۹۹۸) گزینش کرده‌اند (پورافکاری و دیگران ۱۳۹۱: ۷۴). چهار گویه‌اش نیز از تحقیق صالح‌آبادی و قندهاری (۱۳۹۰) اخذ شد که گزینه‌های پاسخ هر ده گویه از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف در قالب طیف لیکرت تدوین گردید. مقولات مورد سنجش سوگیری ایدئولوژیک عبارت بودند از نگرش افراد در خصوص سرکوب افکار شورشی و

ناسازگارانه، آزادی عمل برای وضع قواعد زندگی، حرف شنوی از افراد بالادست، حق آزادی بیان، آزادی اجتماعات و راهپیمایی اعتراضی برای همه مردم، سانسور روزنامه ها و کتاب ها و امثالهم. در واقع، گویه های انتخابی برای متغیر سوگیری ایدئولوژیک، میزان گرایش پاسخگویان را در یک طیف دموکراتیک- اقتدارگرایانه مورد سنجش قرار می داد. لازم به ذکر است که مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس معادل با ۰/۷۵ بدست آمد که حکایت از پایایی مورد قبول دارد.

۴ - یافته های پژوهش

در تشریح نتایج سنجش احساس عدالت سیاسی، ابتدا دلالت های جری عدالت سیاسی (نتایج به تفکیک گویه ها) و سپس دلالت های کلی عدالت سیاسی (نتایج ترکیبی) گویه ها تشریح می گردد.

۴-۱- توصیف اجزاء عدالت سیاسی

نتایج سنجش احساس عدالت سیاسی به تفکیک ۱۲ گویه ای که برای آن منظور شده، در جدول ۱ منعکس گردیده است. دلالت های عمده احساس عدالت سیاسی در جدول مذکور به شرح زیر است:

جدول ۱: توزیع درصدی گویه های احساس عدالت سیاسی پاسخگویان^۲

ابعاد	گویه ها	میزان موافقت (درصد نسبی)				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
پراپی توزیعی	۱. در شرایط فعلی، حکومت به همه مردم (شهروندان)، با یک چشم نگاه می کند.	۲۸/۴	۲۸/۴	۲۷/۳	۱۱/۹	۴/۱
	*۲. در جامعه امروز ما، مردم نمی توانند بدون نگرانی، از دولت انتقاد کنند.	۱۸/۹	۲۳/۸	۳۳/۵	۱۱/۴	۸/۱

^۲ گویه های منفی با علامت ستاره دار(*) مشخص شده اند. در گویه های ستاره دار پاسخ مثبت حاکی از احساس بی عدالتی تلقی می شود.

بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک..... ۲۴

۳۷۰	۵/۱	۱۵/۱	۳۰/۵	۲۷/۶	۲۱/۶	۳. واگذاری مسئولیت های دولتی بیشتر براساس رابطه است نه ضابطه.
۳۷۰	۱۵/۴	۲۳/۸	۳۸/۶	۱۴/۹	۷/۳	۴. اگر حقی از کسی ضایع شود، فکر نمی کنم از طریق قانونی بتواند به حق خود برسد.
۳۷۰	۷/۶	۹/۵	۳۵/۷	۲۷	۲۰/۳	۵. در شرایط فعلی هرکس پول نداشته باشد، حقش پایمال می شود.
۳۷۰	۵/۴	۱۱/۱	۲۶/۵	۳۰/۵	۲۶/۵	۶. در شرایط فعلی هرکس پارتی نداشته باشد، حقش پایمال می شود.
۳۶۹	۳/۵	۹/۵	۳۴/۶	۳۲/۲	۲۰	۷. در شرایط فعلی، قانون درباره همه افراد به طور یکسان اجرا می شود.
۳۶۸	۳	۸/۹	۲۷	۲۷/۳	۳۳/۲	۸. امروزه بیشتر مسئولیت ها و مشاغل مهم دولتی، براساس صلاحیت و شایستگی به افراد سپرده می شوند.
۳۶۸	۱۱/۱	۲۸/۱	۳۶/۵	۱۵/۹	۷/۸	۹. در شرایط فعلی، دولت، این حق را به مردم نمی دهد که آزادانه برای خود تصمیم بگیرند.
۳۷۰	۵/۹	۱۹/۷	۴۱/۹	۱۹/۵	۱۳	۱۰. در شرایط فعلی، دولت بیش از هر زمانی به نظر مردم اهمیت می دهد.
۳۶۸	۸/۹	۲۴/۳	۴۴/۱	۱۴/۶	۷/۶	۱۱. امروزه مردم، علاقه و انگیزه چندانی برای همکاری با دولت ندارند.
۳۶۹	۵/۹	۱۹/۵	۳۶/۵	۲۴/۱	۱۳/۸	۱۲. امروزه مردم احساس می کنند، رأی آنان بیش از هر زمان دیگری مؤثر است.

درصد پاسخهای «مردد» در جدول ۱ نشان می دهد کمترین تردید مربوط به «پارتی بازی» (گویه ۶) و درمقابل بیشترین تردید مربوط به «انگیزه مردم برای همکاری با دولت» (گویه ۱۱) می باشد. جدول ۲ بطور کلی توزیع میزان احساس عدالت سیاسی پاسخگویان را نشان داده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد احساس عدالت سیاسی پاسخگویان (n=۳۷۰)

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۴/۳	۲۴/۳	۹۰	کم
۹۳	۶۸/۷	۲۵۹	متوسط
۱۰۰	۷	۲۱	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۳۷۰	جمع کل

با توجه به جدول فوق، از میان ۳۷۰ پاسخگو، در مجموع ۶۸,۷ درصد از دانشجویان احساس عدالت سیاسی متوسطی دارند و ۲۴,۳ احساس عدالت سیاسی کمی دارند. بنابراین ۹۳ درصد از دانشجویان احساس عدالت سیاسی متوسط رو به پایین و صرفاً ۷ درصد از آنها احساس عدالت سیاسی بالایی دارند. این نتایج به تفکیک ابعاد احساس عدالت سیاسی در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۳: توزیع درصدی احساس عدالت سیاسی (n=۳۷۰)

گزینه‌های پاسخ (درصد)					ابعاد عدالت سیاسی
پاسخ‌های معتبر	انحراف معیار	زیاد	متوسط	کم	
۱۰۰	۲/۲۹	۲/۷	۶۶/۲	۳۱/۱	عدالت توزیعی
۹۹/۷	۳/۰۱	۵/۹	۶۹/۸	۲۴/۳	عدالت قانونی
۹۸/۹	۷۵/۱	۸/۴	۶۴/۶	۲۷	عدالت فرصتی
۹۹/۲	۲/۴۸	۱۲/۴	۷۱/۷	۱۵/۹	عدالت مشارکتی
-	۷/۵	۷	۶۸/۷	۲۴/۳	عدالت سیاسی کل

همانطور که ملاحظه می‌شود، احساس عدالت توزیعی، قانونی، و فرصتی متوسط رو به پایین؛ احساس عدالت مشارکتی، متوسط؛ و احساس عدالت سیاسی کلی متوسط رو به پایین ارزیابی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشترین رضایت دانشجویان به بُعد مشارکتی عدالت سیاسی مربوط می‌شود، که ۸۴ درصد احساس عدالت مشارکتی متوسط رو به بالایی را تجربه می‌کنند. کمترین میزان رضایت نیز به عدالت توزیعی مربوط می‌شود و ۳۱ درصد از دانشجویان (تقریباً ثلث جمعیت نمونه تحقیق) احساس عدالت توزیعی کمی دارند. صرفاً ۶ درصد از دانشجویان احساس عدالت قانونی زیادی را دارند و ۷۰ درصد آن‌ها در حد متوسط و ۲۴ درصد هم نمره پایینی به عدالت قانونی داده‌اند. درخصوص عدالت فرصتی نیز، ۲۷ درصد در حد کم، ۶۵ درصد در حد متوسط و تنها ۸ درصد در حد زیاد نمره داده‌اند.

همچنین می‌توان گفت ۳۱ درصد دانشجویان در حد زیادی معتقدند که حکومت نگاه یکسانی به شهروندان ندارد، آن‌ها به راحتی نمی‌توانند از حکومت انتقاد کنند و توزیع مسئولیت‌های سیاسی براساس رابطه است نه ضابطه. ۲۷ درصد پاسخگویان در حد زیاد معتقدند که فرصت و زمینه مناسب برای تفویض نقش‌های اداری و سیاسی براساس شایستگی و لیاقت و توانمندی واقعی افراد وجود ندارد و مسئولیت‌ها بر اساس شایستگی به افراد واگذار نمی‌شود، لزوماً افرادی که تجربه و تخصص بیشتری دارد، مشاغل را به دست نمی‌آورند. این گروه همچنین از آزادی عمل شهروندان در تصمیم‌گیری‌هایشان ناراضی بوده‌اند، به عبارت دیگر ۲۷ درصد پاسخگویان معتقدند حکومت بیش از اندازه در حوزه زندگی شخصی مردم وارد می‌شود. ۲۴ درصد دانشجویان در حد زیاد معتقدند قانون در مورد همه به طور یکسان اجرا نمی‌شود. اگر حقی از کسی ضایع شود، نمی‌تواند از طریق قانون آن حق را پس بگیرد و حقوق قانونی افراد از پول و پارتی بازی مستقل نیست. ۱۶ درصد نیز بیان داشته‌اند حکومت به رأی و نظر مردم احترام نمی‌گذارد و رأی و خواسته شهروندان در تصمیمات حکومت واقعاً موثر نیست و انگیزه لازم برای همکاری شهروندان با حکومت وجود ندارد.

به علاوه می‌توان گفت درصد پاسخ‌های معتبر در ردیف مربوط به هر بعد از عدالت سیاسی نشان می‌دهد که درصد اجتناب و طفره از پاسخگویی در مورد همه سؤالات، کمتر از ۲ درصد است و این امر حاکی از آن است که اولاً مسائل مرتبط با عدالت سیاسی در معرض فهم و تجربه عمومی قرار گرفته است؛ در ثانی اکثریت قاطع افراد، نگران آشکار شدن عقاید سیاسی خود نیستند.

درصد پاسخ های کاملاً مخالف و کاملاً موافق در اکثر سؤالات عدالت سیاسی کمتر از درصد سایر پاسخها (موافق، تاحدی، مخالف) است و این بدان معناست که نظریات کاملاً محافظه کارانه یا کاملاً رادیکال نسبت به عدالت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، وزن و اهمیت کمتری نسبت به نظرات معتدل و میانه دارد. کمترین اختلاف نظر (۱,۷۵) مربوط به عدالت فرصتی است و بیشترین اختلاف نظر (۳,۰۱) مربوط به عدالت قانونی است و این بدان معناست که در بین پاسخگویان در خصوص رعایت معیارهای شایستگی در واگذاری نقش‌های اداری و سیاسی اتفاق نظر بیشتری وجود دارد تا یکسان بودن همه شهروندان در مقابل قانون.

۴-۲- توصیف متغیرهای مستقل تحقیق

در این قسمت به توصیف متغیرهای مستقل تحقیق (انواع دینداری، سوگیری ایدئولوژیک) و نحوه پاسخ دانشجویان به گویه های مربوط به این متغیرها، اشاره می کنیم.

۴-۲-۱- انواع دینداری

همان گونه که گفته شد، شاخص انواع دینداری در ۴ طبقه یعنی دینداری سکولار، تجددگرایی اسلامی، اسلام گرایی رادیکال، و دینداری سنت گرایانه تقسیم گردید که نتایج تجربی تحقیق در جدول ۴ منعکس شده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی انواع دینداری پاسخگویان (n = ۳۷۰)

فراوانی	درصد	درصد تجمعی	
۴۹	۱۳/۲	۱۳/۲	دینداری سکولار
۶۷	۱۸/۲	۳۱/۴	تجددگرایی اسلامی
۲۲۹	۶۱/۸	۹۳/۲	اسلام گرایی رادیکال
۲۵	۶/۸	۱۰۰	دینداری سنت گرایانه
۳۷۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۴ می‌توان اظهار نمود که از میان کل پاسخگویان نمونه تحقیق، ۱۳,۲ درصدشان دارای دینداری سکولار، ۱۸,۲ درصد دینداری تجددگرایی اسلامی و تنها ۶,۸ درصد دینداری سنت گرایانه بوده‌اند. اما یافته مهم آن است که دینداری اغلب دانشجویان نمونه تحقیق، یعنی حدود ۶۲ درصدشان اسلام‌گرایی رادیکال بوده است.

۲-۲-۴- سوگیری ایدئولوژیک

جدول زیر توزیع سوگیری ایدئولوژیک را در میان دانشجویان نمونه تحقیق نشان می‌دهد که با میزان گرایش پاسخگویان به ارزشهای دموکراتیک (در یک طیف دموکراتیک-اقتدارگرایانه) سنجیده شده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی گرایش به ارزش های دموکراتیک پاسخگویان

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱۶/۵	۱۶/۵	۶۱	کم
۹۳/۸	۷۷/۳	۲۸۶	متوسط
۱۰۰	۶/۲	۲۳	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۳۷۰	جمع کل

یافته های مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهند که از میان ۳۷۰ پاسخگوی دانشجوی، ۱۶,۵ درصد از نظر گرایشات اقتدارگرایانه نمره پایینی را دریافت کرده‌اند، به عبارت دیگر در ۱۶,۵ درصد دانشجویان گرایشات دموکراتیک شدت بیشتری داشته است. گرایش به اقتدارگرایی ۷۷,۳ درصد پاسخگویان نیز در حد متوسط و ۶,۲ درصد در حد زیاد است.

۳-۴- آزمون فرضیات

استدلال‌های نظری این تحقیق حکایت از تأثیر دو متغیر انواع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک بر احساس عدالت سیاسی بعنوان فرضیات تحقیق داشت. آزمون تجربی این فرضیات از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۶ منعکس شده است.

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۶. رگرسیون احساس عدالت سیاسی بر انواع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک

متغیرهای مستقل	همبستگی مرتبه صفر	ضریب ساده رگرسیون	ضریب استاندارد رگرسیون	مقدار T	معناداری T
۱ انواع دینداری	۰/۵۷۵	۰/۳۹۳	۰/۴۷۶	۱۰/۶۷۳	۰/۰۰۰
۲ سوگیری ایدئولوژیک	۰/۴۴	۰/۳۱۷	۰/۲۵۲	۵/۶۵۳	۰/۰۰۰
مقدار ثابت (عرض از مبدأ) = ۸,۶۹					
همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	مقدار F	معناداری F		
۰/۶۲۰	۰/۳۸۵	۱۱۴/۷۵۱	۰/۰۰۰		

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه مندرج به شرح زیر است:

- ۱- نوع دینداری با ضریب استاندارد رگرسیون ۰/۴۷۶، تأثیری به مراتب بیشتر از متغیر سوگیری ایدئولوژیک (بتا = ۰/۲۵) بر احساس عدالت سیاسی داشته است که از لحاظ آماری نیز کاملاً معنادار می‌باشد. علامت مثبت مشاهده شده حکایت از آن دارد که با حرکت از دینداری سکولار به سمت دینداری سنت‌گرایانه، احساس عدالت سیاسی افزایش می‌یابد. این یافته تجربی، با استدلال نظری مربوط بر چگونگی تأثیر نوع دینداری فرد بر میزان احساس عدالت سیاسی وی همخوانی دارد و مؤید فرضیه مزبور می‌باشد.
- ۲- سوگیری ایدئولوژیک که در این مطالعه با گرایش به اقتدارگرایی سنجیده شده است نیز با ضریب استاندارد رگرسیون ۰/۲۵۲ تأثیری مثبت بر احساس عدالت سیاسی داشته است که از لحاظ آماری نیز کاملاً معنادار بوده ($p = ۰/۰۰۰$) و قابل تعمیم به جمعیت مبنای نمونه‌گیری است. یعنی، هر قدر سوگیری ایدئولوژیک فرد، اقتدارگراتر باشد، احساس عدالت سیاسی وی نیز بیشتر می‌شود. این یافته نیز با انتظار نظری تحقیق همخوانی داشته و فرضیه مزبور را تأیید می‌کند.

۱-۳-۴- ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پس از کنترل متغیرهای زمینه‌ای
 آزمون فرضیه‌های تحقیق، هنگامی از اعتبار بیشتری برخوردار می‌شوند که سایر متغیرهای
 ذی‌مدخل کنترل شوند. در تحقیق حاضر، متغیرهای زمینه‌ای بعنوان متغیرهای کنترلی مدنظر
 قرار گرفت و مجدداً فرضیات تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۷
 منعکس شده است.

جدول ۷. رگرسیون احساس عدالت سیاسی بر انواع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک با

کنترل متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای + متغیر مستقل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تغییر یافته	F تغییر یافته	معناداری F تغییر یافته
جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و میزان درآمد مادر	۰/۳۴۴	۰/۱۱۸	۰/۱۱۸	۶/۹۲۸	۰/۰۰۰
جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و میزان درآمد مادر + متغیر مستقل: نوع دینداری	۰/۶۱۳	۰/۳۷۵	۰/۲۵۷	۲۷/۱۲۰	۰/۰۰۰
جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و میزان درآمد مادر + متغیر مستقل: سوگیری ایدئولوژیک	۰/۵۱۱	۰/۲۶۱	۰/۱۴۳	۱۵/۹۳۶	۰/۰۰۰
جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و میزان درآمد مادر + متغیرهای مستقل: نوع دینداری، سوگیری ایدئولوژیک	۰/۶۵۴	۰/۴۲۷	۰/۳۰۹	۲۹/۸۵۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق، (۱) بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و میزان درآمد مادر) و متغیر وابسته (احساس عدالت سیاسی) ضریب تعیین ۰/۱۱۸ بدست آمده است، بدین معنی که تمام متغیرهای زمینه‌ای مذکور تنها ۱۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

(۲) پس از اضافه نمودن تنها متغیر «نوع دینداری» ضریب تعیین از ۰/۱۱۸ به ۰/۳۷۵ افزایش یافت که ۰/۲۵۷ از این مقدار افزایش یافته مربوط به متغیر مستقل نوع دینداری است. یعنی، با وجود کنترل متغیرهای زمینه‌ای باز هم متغیر نوع دینداری توانست به تنهایی ۲۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (احساس عدالت سیاسی) را توضیح دهد. مقدار f تغییر یافته و معناداری آماری آن حکایت از واقعی بودن و اعتبار ارتباط میان نوع دینداری با احساس عدالت سیاسی دارد. (۳) پس از اضافه نمودن متغیر سوگیری ایدئولوژیک به متغیرهای زمینه‌ای تحقیق ضریب تعیین معادل ۰/۲۶۱ شد که ۰/۱۱۸ آن مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و ۰/۱۴۳ مربوط به سوگیری ایدئولوژیک بوده است. این یافته حکایت از آن دارد که با وجود کنترل متغیرهای زمینه‌ای باز هم متغیر سوگیری ایدئولوژیک توانست به تنهایی ۱۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را توضیح دهد. مقدار f تغییر یافته و معناداری آماری آن نیز حکایت از واقعی بودن و اعتبار ارتباط میان سوگیری ایدئولوژیک با احساس عدالت سیاسی دارد. (۴) با افزودن همزمان متغیرهای مستقل نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک به متغیرهای زمینه‌ای تحقیق مقدار ضریب تعیین از ۰/۱۱۸ به ۰/۴۲۷ افزایش یافت. یعنی، ۰/۳۱ مربوط به اثر خالص متغیرهای مستقل (نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک) است. مقدار f تغییر یافته و معناداری آن نیز حکایت از واقعی بودن و اعتبار اثر نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک بر احساس عدالت سیاسی دارد.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که اگر متغیرهای زمینه‌ای را کنترل نماییم، باز هم فرضیات تحقیق تأیید می‌گردند.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان احساس عدالت سیاسی در میان دانشجویان یا نسل سوم انقلاب به انجام رسیده است. نتایج مربوط به توصیف احساس عدالت سیاسی نشان داد که ۲۴,۳ درصد از دانشجویان احساس عدالت سیاسی کمی دارند، ۶۸,۷ درصد از آن‌ها در حد متوسط و صرفاً ۷ درصد از آن‌ها احساس عدالت سیاسی زیادی را تجربه می‌کنند. در بین ۴

بُعد عدالت سیاسی، منفی‌ترین احساس در بُعد عدالت توزیعی ابراز گردیده است که به تأمین حقوق شهروندی توسط حکومت مربوط می‌شود. یافته‌های این تحقیق نیز همانند پژوهش یوسفی (۱۳۸۳)، احساس عدالت سیاسی در ابعاد توزیعی، قانونی و فرصتی در بین پاسخگویان را منفی ارزیابی می‌کند، اما در مطالعه یوسفی بُعد مشارکتی عدالت سیاسی مثبت به دست آمده که در کار حاضر این بُعد عدالت سیاسی نیز منفی است، لکن در مقایسه با سایر ابعاد، پاسخگویان بیشترین رضایت را از عدالت مشارکتی ابراز داشته‌اند.

طبق نوع شناسی ویلیام شیرد، نوع دینداری فرد متأثر از جهت‌گیری وی نسبت به مدرنیته بوده و بر اساس نگرش نسبت به ارزشهای دموکراتیک تعیین می‌گردد. عدالت، یکی از عناصر اصلی مجموعه ارزشهای دموکراتیک محسوب می‌شود، لذا نگرش فرد به ارزشهای دموکراتیک - میزان و چگونگی جهت‌گیری وی نسبت به مدرنیته - احساس او در خصوص عدالت سیاسی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابر این، نوع دینداری فرد می‌تواند بر میزان احساس عدالت سیاسی وی تأثیر بگذارد. همان‌طور که در چارچوب نظری پژوهش نیز استدلال شد، با توجه به این‌که گفتمان نظام سیاسی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در تقابل با گفتمان غربی می‌باشد، می‌توان گفت به میزانی که فرد به سمت مدرنیته جهت‌گیری مثبت‌تری داشته باشد، از گفتمان حاکم دور شده و احساس عدالت سیاسی کمتری را تجربه می‌کند. به عبارت دیگر، از آنجا که احساس عدالت سیاسی ناظر به قرابت ایدئولوژیک فرد با گفتمان نظام سیاسی جمهوری اسلامی است؛ هرچه فرد جهت‌گیری مثبت‌تری نسبت به مدرنیته داشته باشد، در تقابل بیشتر با گفتمان نظام سیاسی قرار گرفته و احساس عدالت سیاسی کمتری خواهد کرد.

یافته‌های تحقیق در قسمت آزمون فرضیات گویای آن است که رابطه مثبت و معناداری بین نوع دینداری با احساس عدالت سیاسی برقرار است و هرچه دینداری فرد به سمت سنت‌گرایی و رادیکالیسم اسلامی حرکت کند بر احساس عدالت سیاسی وی هم افزوده می‌شود. همچنین نشان داده شد که نوع دینداری بیشترین واریانس احساس عدالت سیاسی را تبیین می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش یعقوبی (۱۳۸۸) قرابت دارد. مطالعه وی نیز نشان می‌دهد که نگرش درباره جدایی دین از سیاست (سکولاریسم)، با میزان احساس عدالت همبستگی منفی قابل توجهی دارد.

در رابطه با تأثیرگذاری سوگیری ایدئولوژیک بر احساس عدالت سیاسی، چنین بیان شد که شخصیت اقتدارگرا شخصیتی است بسیار هم‌نوا، سازشگر، تطبیق‌دهنده خود با اوضاع و احوال

که از ارزش‌ها و قواعد سنتی و قراردادی جامعه حمایت می‌کند. در نگرش اقتدارگرایانه، اصل بر به رسمیت شناختن نظام سیاسی مستقر (مشروعیت کامل رژیم حاکم به هر دلیل و عنوان) و اقدام برای حفظ آن به هر طریق ممکن و از جمله کاربرد شیوه‌های امنیتی و نظامی برای ارباب و سرکوب مخالفان و منتقدان است. به عبارت دیگر، در چنین نگرشی مشارکت، نظردهی، انتقاد و اعتراض علیه عملکردهای نظام سیاسی از جانب مردم، امری مذموم و منکر دانسته می‌شود. این افراد در پی حفظ وضع موجود و دفاع از اقتدار دولت می‌باشند. لذا چنین استدلال شد که هرچه فرد گرایش‌های اقتدارگرایانه بیشتری داشته باشد نسبت به سایرین قرابت ایدئولوژیک بیشتری با نظام سیاسی دارد و از آن رو احساس عدالت سیاسی بیشتری را تجربه می‌نماید.

برای آزمون این فرضیه با تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه مثبت و معناداری بین میزان اقتدارگرایی با احساس عدالت سیاسی مشاهده شد و ضریب استاندارد رگرسیون ۰/۲۵۲ بین این دو متغیر به دست آمد که حاکی از آن است که متغیر سوگیری ایدئولوژیک ۰/۰۶۳ از واریانس متغیر وابسته احساس عدالت سیاسی را تبیین می‌کند. این مقدار از لحاظ آماری معنادار و قابل تعمیم به جمعیت مبنای نمونه‌گیری بود. یافته این پژوهش با نتایج تحقیق یعقوبی (۱۳۸۸)، همخوانی دارد به نحوی که اصلاح‌طلبان کسانی که خواهان تغییر وضع موجود هستند، کمتر از طرفداران وضع موجود احساس عدالت می‌کنند.

همچنین با کنترل متغیرهای زمینه‌ای، نشان داده شد همبستگی اولیه مشاهده شده بین متغیرهای مستقل و احساس عدالت سیاسی کاذب نبوده و قابل تعمیم به جمعیت مبنای نمونه‌گیری است.

لازم به ذکر است این یافته درستی استدلال صورت گرفته را نشان می‌دهد ولی به معنای این نیست که مسئولان و کارگزاران حکومتی جهت افزایش احساس عدالت سیاسی در جامعه به تشدید روحیه اقتدارگرایی اقدام کنند. گسترش روحیه اقتدارگرایی به صورت وسیع در یک جامعه پیامدهای نامطلوبی در پی دارد و جامعه را به سمت یک نظام سیاسی بسته و خودمختار که در تقابل با عدالت سیاسی است، سوق می‌دهد.

منابع

۱. ارسطو. (۱۳۷۱). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت (چاپ سوم). تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۲. اسمیت، دیوید. (۱۳۸۸). *شخصیت دموکراتیک*. ترجمه محبوبه مهاجر. *روزنامه اعتماد*. دوم شهریور.
۳. پورافکاری، نصرالله و دیگران. (۱۳۹۱). تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر اقتدارگرایی. *مجله جامعه شناسی کاربردی*، ۴۸، ۸۴-۶۷.
۴. تهرانی، مسعود. (۱۳۸۳). *استبداد و اقتدارگرایی - ویژگی‌های شخصیت عقب‌مانده (چاپ اول)*. تهران: نشر همراه.
۵. جمال زاده، ناصر. (۱۳۷۸). عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناسی. *مجله دانش سیاسی*، ۸، ۲۵-۵.
۶. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). تهران: نشر نی.
۷. ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). رابطه نوع دینداری با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک در میان دانشجویان تهرانی. *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*، ۱، ۹۶-۷۷.
۸. رایینز، استیفن. (۱۳۷۶). *مبانی رفتار سازمانی*. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. روش بلاو، آن مارک و نیون، ادیل. (۱۳۷۰). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه سیدمحمد دادگران (چاپ دوم). تهران: مروارید.
۱۰. سیدباقری، سیدکاظم. (۱۳۹۳). *عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، مندرج در: عدالت سیاسی (چاپ اول)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. صالح‌آبادی، ابراهیم و قندهاری، عبدالرضا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دینداری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری. *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۲، ۹۵-۱۱۸.
۱۲. کلمن، جیمز اس. پای لوسین و دیگران (۱۳۸۰). *نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری-برابری- ظرفیت در بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلام‌رضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۳. میرسندهی، سید محمد. (۱۳۹۰). چشم‌انداز جامعه شناسی به عدالت. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۴. میرسندهی، سیدمحمد. (۱۳۷۵). عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۸). درک ایرانیان از عدالت (چاپ اول). تهران: جامعه شناسان.
۱۶. یوسفی، علی. (۱۳۸۳). برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ۴۴، ۸۷-۶۵.

